

دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۹  
۴ جمادی الاولی ۱۴۴۲  
۱۸ زائویه ۲۰۲۱  
شماره ۸۰۳۱۲۹ صفحه

متن میثاق نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

#### اخبار

**رقابت نابرابر فیلم‌اولی‌ها در «فجر ۳۹»/شرایط**

**جشنواره را پذیرفته‌ایم**

سعید خانی تهیه‌کننده فیلم سینمایی «لبیار» به کارگردانی حسین ریگی که یکی از فیلم‌اولی‌های حاضر در سی‌نهمین جشنواره فیلم فجراست، در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: برگزار شدن این مدل از جشنواره فیلم فجر نمی‌تواند ایده آل همه باشد، البته معتقدم با توجه به شرایط کرونا برگزار شدن جشنواره بهتر از برگزار نشدن آن است.وی بیان کرد: طبیعتاً وقتی این جشنواره با شیوه جدید یعنی بدون حضور هیأت انتخاب و در قالب داوری همه فیلم‌ها در کنار هم برگزار می‌شود، می‌تواند نواقصی را به همراه داشته باشد، معتقدم اینکه فیلم‌های با دیدگر آثار سینمایی در یک رده داوری شوند، یک رقابت نابرابری است که باید به آن توجه کرد. البته ما نیز با همین شرایط قبول کرده‌ایم که جشنواره برگزار شود و امیدوارم فیلم‌های اول نیز این قدر قابلیت و توانایی را داشته باشند که با دیگر فیلم‌ها رقابت کنند. این تهیه‌کننده سینما ادامه داد: امیدوارم برگزارکنندگان جشنواره، همه تلاش خود را بکنند، تا آثاری که انتخاب می‌شوند، توسط اصحاب رسانه و مخاطبان دیده شود، چرا که برگزاری جشنواره‌ای که بدون نمایش فیلم باشد، جذابیتی ندارد، متأسفانه در شرایط فعلی عادت سینما رفتن از بین رفته است و باید شرایطی فراهم شود تا با رعایت پروتکل‌های بهداشتی مخاطبان برای دیدن فیلم‌ها به سینماها بیایند.وی بیان کرد: همچنین امیدوارم جلسات پرسش و پاسخ برای فیلم‌ها در طول جشنواره، برگزار شود تا فیلم‌ها بهتر دیده شود. خانی گفت: تجربه فیلمساز اول نسبت به کارگردانی‌های دیگر فیلم سینما، ساخته‌اند، کمتر است، به همین دلیل باید هیأت داوران در این زمینه دقت ویژه‌ای داشته باشند، اگر داوران در این دوره برای فیلم‌های اول یک جایزه ویژه در نظر بگیرند، می‌توان به بهتر دیده شدن فیلم‌های اول کمک کرد تا دلگرمی برای آن‌ها باشد. خانی در پایان گفت: اگر هیأت انتخاب وجود داشت و فیلم‌اولی‌ها در کنار هم رقابت و داوری می‌شدند، برای فیلم‌های اول بهتر بود، اما به هر حال ما با دانستن شرایط متفاوت این دوره از جشنواره، برای حضور در جشنواره فیلم فجر اقدام کرده‌ایم.

بهتر دیده شود. خانی گفت: تجربه فیلمساز اول نسبت به کارگردانی‌های دیگر فیلم سینما، ساخته‌اند، کمتر است، به همین دلیل باید هیأت داوران در این زمینه دقت ویژه‌ای داشته باشند، اگر داوران در این دوره برای فیلم‌های اول یک جایزه ویژه در نظر بگیرند، می‌توان به بهتر دیده شدن فیلم‌های اول کمک کرد تا دلگرمی برای آن‌ها باشد. خانی در پایان گفت: اگر هیأت انتخاب وجود داشت و فیلم‌اولی‌ها در کنار هم رقابت و داوری می‌شدند، برای فیلم‌های اول بهتر بود، اما به هر حال ما با دانستن شرایط متفاوت این دوره از جشنواره، برای حضور در جشنواره فیلم فجر اقدام کرده‌ایم.

**تغییر مقررات اسکار در بخش فیلم بین‌المللی**  
در حالی که این خبر هنوز از سوی آکادمی اسکار به صورت رسمی اعلام نشده اما منابع داخلی می‌گویند تغییراتی کلیدی در روند انتخاب نامزدهای رایافته به فهرست نهایی اسکار در بخش فیلم بلند بین‌المللی (که سابق فیلم خارجی زبان نامیده می‌شد) ایجاد شده است.

به جای اینکه یک کمیته اصلی متشکل از داوطلبانی از همه شاه‌ها بخواند ۷ فیلم منتخب خود را به آکادمی معرفی کنند و بعد یک کمیته اجرایی بسیار کوچک‌تر ۳ فیلم به این گروه اضافه و فهرست کوتاه‌ای متشکل از ۱۰ فیلم انتخاب کند و بعد از میان این ۱۰ فیلم ۵ نامزد به عنوان نامزدهای اسکار معرفی شوند، امسال روند دیگری در حال اجراست.

کمیته اصلی امسال تاکنون همه کارهای لازم را برای فاز نخست رای‌گیری انجام می‌دهد و در نهایت به جای ۱۰ فیلم ۱۵ فیلم را وارد فهرست می‌کند این امر در عین شیوع کرونا، در پیش گرفته شده تا احتمال اعمال نظر توسط «کمیته نجات» فیلم‌ها حذف شود و با منع اختلاف‌نظرهایی شود که با حذف برخی فیلم‌های مهم بین‌المللی سال‌های اخیر جنجال ایجاد کرده بود.
نادیده گرفتن «شهر خدا» در سال ۲۰۲۰ و «۴ ماه و ۲ هفته و ۲ روز» از رومانی که برنده نخل طلای کن شد بود و موارد دیگر از این دست کمیته اجرایی آکادمی را وادار ساخته است تا برای اطمینان از انتخاب بهترین‌های سینمای جهان که معمولاً توسط کمیته بزرگ‌تر نادیده گرفته می‌شدند، این تغییر را اعمال کند.۹ فوریه (۲۱ بهمن) قرار است لیست نامزدهای بخش فیلم بین‌المللی همراه دیگر گروه‌ها مانند موسیقی، بهترین فیلم‌های کوتاه و مستندها معرفی شوند.

شاید بتوان تأکید کرد که نقاشی بر پیدایش سینما و پیشرفت آن، تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته است که این موضوع مورد تأیید بسیاری از هنرمندان و پژوهشگران نیز بوده است. این تأثیر در مواردی چون سبک‌ها و جنبش‌های هنری، کاربرد نور، پرسپکتیو و رنگ نقاشانه در سینما، استفاده از طراحی در استوری-بورد و طراحی صحنه و لباس و ... مشهود است.

در کتاب «قاب‌زدایی‌ها / جستارهایی در باب نقاشی و سینما» نوشته پاسکال بونیتزِر، این نکته مورد تأکید قرار گرفته که ایستایی تابلوی نقاشی و تحرک سینما این دو هنر را از یکدیگر مجزا نمی‌کند بلکه می‌تواند عامل ارتباط نقاشی و سینما شود. همچنین تأکید شده است که گاهی سینما و نقاشی را جای پای یکدیگر گذاشته و مسیر خودشان را طی می‌کنند؛ یعنی گاه نقاشی از ابعاد سینما مانند میزانسن بهره می‌برد و گاه سینما سعی می‌کند تا به اجزای خرد نقاشی مانند انتزاع برسد.

به همین بهانه با شهریار پورسیدیان هنرمند نقاشی که دستی بر فیلمسازی دارد و در این مسیر موفقیت‌های بسیاری نیز کسب کرده است، به گفتگو نشستیم. پورسیدیان دارای مدرک کارشناسی نقاشی و فیلمساز دبیر هنر در شهر رشت است و تاکنون در چندین نمایشگاه گروهی نقاشی شرکت داشته است. وی همچنین طی سال‌های فعالیت خود، ۱۵ فیلم کوتاه داستانی، مستند و تجربی ساخته است؛ فیلم‌های مستند «وقتی که نور می‌تابد»، «سرزمین سرد»، «ضد نور»، «گلیب»، «سایه‌های سکوت»، «ما را ببینید» و «زالو»، فیلم‌های تجربی «گرامافون»، «روزنه» و «فاصله»، فیلم‌های کوتاه داستانی «بناجی همه نزدیکند»، «نه شه روج»، «رویای سرخ»، «سایه‌های یک شهر»، «ویرتین» و «بارگشت». مشروح گفتگو با شهریار پورسیدیان هنرمند نقاش و فیلمساز را در درباره علاقمندی‌هایش به نقاشی و سینما و اینکه چطور از نقاشی به سمت سینما کشیده شد، در ادامه می‌خوانید.

**\* آقای پورسیدیان در ابتدا کمی از روزمه حرفه‌ای‌تان در نقاشی و سینما و از علاقمندی‌تان به نقاشی و سینما هم بگویید. چه میزان تجربه‌گرایی نقاشانه خود در این مسیر بهره گرفتید؟**

نقاشی مسیر و پاساژی را برای ورود به سینما و فیلمسازی برای من فراهم کرد؛ به صورت اتفاقی از طریق یکی از دوستان فیلم «طبیعت بیجان» از سهراب شهید ثالث را دیدم و همان زمان احساس کردم چقدر نقاشی می‌تواند به سینما نزدیک باشد و برعکس. پس از تماشای این فیلم، آنچه که به نظر آمد این بود که قاب‌بندی‌های «طبیعت بیجان» تحت تأثیر نقاشی هستند و نوعی شیفتگی در من ایجاد شد تا من نیز آن را تجربه کنم. بعدها که درباره این فیلم سهراب شهید ثالث مطالعه کردم، متوجه شدم که فیلمساز از مرحوم مرتضی ممیز نقاش و طراح گرافیک برجسته برای طراحی صحنه استفاده کرده است و اتفاقاً متوجه شدم که بحث بر این بوده که در «طبیعت بیجان» طراحی صحنه تحت تأثیر دوران آبی پیکاسو باشد و فضای رنگی قالب بر فیلم به ویژه در طراحی داخلی به آن دوران نقاشی پیکاسو نزدیک شود.

## روزنامه

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

**غلامحسین شعبانی**

نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمنازاده‌شمالی

پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیک:

info@emtiazdaily.ir

تلفن: ۶۶۹۱۸۰۹

آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹

لینوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

تأثیر متقابل سینماونقاشی انکارشدنی نیست

## روایت یک نقاش از فیلمسازی



محتوا را به وجود می‌آورد؛ برعکس نوعی دیگر از سینما که فرم مستلزم محتواست یعنی محتوای فیلم است که فرمی را در خود تعریف می‌کند مثل فیلم‌های مملو از دیالوگ هالیوودی که فیلم جدی‌تر شد. اولین فیلم را سال ۱۳۸۴ می‌گیرد. در نوع دیگر سینما که محتوا نیازمند خاطرم است در فستیوال‌ها مورد توجه قرار و در جشنواره‌های مختلفی نیز جایزه گرفت و همین موضوع سبب شد که در این مسیر جدی‌تر قدم بردارم و فیلم بسازم.

از آنجایی که نقاش‌ها، بیشتر تجربه‌گرا هستند چندین تجربه متفاوت هم داشتم و قصد کردم ژانرهای فیلمسازی متفاوتی را تجربه کنم و خیلی هم خوشحالم که این کار را انجام دادم اما دوباره به خانه اولم برگشتم، چون به این نتیجه رسیدم که در این شکل از فیلمسازی است که می‌توانم فعالیت کنم نه گونه‌های دیگر سینما. همچنین به صورت دلی و در خلوت خودم نقاشی و طراحی را ادامه می‌دادم و در عین حال مطالعه در زمینه نقاشی همیشه برای من یک لذت بوده و هست، برای اینکه همچنان در کنار نقاشی باقی بمانم انفرادی و سینما هنری گروهی است و وقتی فیلمی ساخته می‌شود وابسته به بسیاری از عوامل و عناصر است.

نقاشی ناب‌ترین هنر در هنرهای هفتگانه است؛ هنرمند نقاش بی واسطه مقابل بوم نقاشی قرار می‌گیرد و از این جهت، نقاشی با سینما متفاوت است.

**\* با توجه به موارد مذکور، آیا نقاشی، هنر قوی‌تر از نظر بصری و تأثیرگذاری است یا سینما؟**

شاید مقایسه این دو درست نباشد اما می‌توان گفت هر کدام از این هنرها، ارزش‌ها و قدرتهای بصری خودشان را دارند. ولی می‌توانم در مقام مقایسه بگویم که سینما فاتح بلامنابع هنرهای هفتگانه به حساب می‌آید چراکه از یک طرف توانسته همه هنرها را در دل خود جای دهد و از طرف دیگر مخاطب جدی خودش را دارد و با عصر حاضر و تکنولوژی خودش را وفق داده است که از این جهت باید گفت نقاشی نسبت به سینما، منزوی شده است. هرچند هنری ارزشمند و کهنسال است و به راحتی نمی‌توان از کنارش گذشت و موسیقی، سینما و عکاسی، بارها به نقاشی رجوع می‌شود.

در کل باید بگویم که سینما، هنری عمومی‌تر و جذاب‌تری نسبت به نقاشی است و

مخاطب بیشتری دارد اما نقاشی مقداری از آن چیزی که باید به مخاطبش بدهد، فاصله گرفته است. نقاشی یکسری نقاط قوت و ارزشمندی دارد که باعث می‌شود بسیاری از فیلم‌سازها در تاریخ سینما به آن رجوع می‌کنند مثل یک پدر و مرجع، ولی اینکه کدام یکی از نظر بصری قوی‌تر و تأثیرگذار هست، نمی‌توان توضیح دقیقی ارائه کرد اما تأثیرگذاری سینما در حال حاضر بسیار بیشتر از نقاشی است.

**\* فیلم‌سازهایی که در کارشان از نقاشان تأثیر می‌گیرند (چه بصری و چه الگویی مثل شهرام مگری)، چه نقاوی نسبت به فیلمسازان دیگر دارند؟**

من فکر می‌کنم فیلم‌سازهایی که عقبه هنرهای تجسمی دارند یا با پشتوانه نقاشی وارد سینما می‌شوند، نقطه قوت‌شان نسبت به بقیه فیلم‌سازها، در روایت بصری و توصیف تصویری فیلم است که می‌تواند چشمگیرتر باشد. این فیلم‌سازها می‌توانند چیدمان تصویری، عناصر بصری و ارتباط تصویری بهتری به مخاطب بدهند و مخاطب وقتی در سالن سینما می‌نشیند و به پرده عریض نگاه می‌کند اول تصویر بر او تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین فیلمسازی که از هنرهای تجسمی می‌آید بسیار می‌تواند موفق عمل کند اگر درست کار کرده باشد. چون هنرمند تجسمی سال‌های سال مشق بصری و تصویری داشته است و حالا آن را به فیلم‌هایش وارد می‌کند؛ این مشق و کشف و شهود در نقاشی، هم در شکل روایت تصویری و هم در شکل فیلمسازی کاربرد دارد، به ویژه آنجایی که از عنصر اتفاق و بداهه‌گرایی استفاده می‌شود.

مثل سینمای عباس کیارستمی که در آن بداهه پردازی‌های فیلمساز مشهود است به معتقدم این موارد تأثیر گرفته از نقاشی هستند چراکه بداهه‌پردازی و اتفاق، عنصر مهمی در نقاشی است و هنرمند تجسمی به بهترین شکل ممکن می‌تواند از آن در سینما بهره بگیرد. کیارستمی در فیلم «کلوزآپ» جمله‌ای دارد مبنی بر اینکه «من از آگوست رنوار الگو می‌گیرم که می‌گوید اگر زمانی رنگ روی بوم‌تان شره کرد، نگران نباشید بلکه از آن به عنوان یک عنصر در اثرتان استفاده کنید. من این موضوع را در سینما استفاده می‌کنم». این جمله، در واقع همان بداهه‌گرایی است.

بهترین معلم من در فیلمسازی، «مطالعه در نقاشی» است؛ من هیچوقت یک معلم فیلمسازی نداشتم و به صورت بی واسطه از طریق نقاشی وارد سینما شدم و فکر می‌کنم نمونه‌ای مثال‌زدنی با تمام ایرادهای وارده باشم برای کسی که می‌خواهد از هنرهای تجسمی وارد سینما بشود، چون با جسارت وارد سینما شدم و شروع به کار کردم. نکته دیگری که خیلی به من در این راه کمک کرد، دیدن فیلم‌هایی بود که عقبه نقاشانه داشتند که بسیار به من آموختند.

من فکر می‌کنم بهترین اسلحه یک نقاش، چشمشانش است و ما ۹۰ درصد مطالعه دیداری داریم برعکس یک دانشجوی فیلمسازی که نیمی از آموخته‌هایش تئوری است. همچنین «دیدن» بسیار به من کمک کرد که در زمانی که به گالری‌گردی می‌رفتم و در نقاشی تجربه می‌کردم چه زمانی که من فیلم‌هایی می‌دیدم که زبان تجسمی در آن‌ها ورود کرده بود.

شاید مقایسه این دو درست نباشد اما می‌توان گفت هر کدام از این هنرها، ارزش‌ها و قدرتهای بصری خودشان را دارند. ولی می‌توانم در مقام مقایسه بگویم که سینما فاتح بلامنابع هنرهای هفتگانه به حساب می‌آید چراکه از یک طرف توانسته همه هنرها را در دل خود جای دهد و از طرف دیگر مخاطب جدی خودش را دارد و با عصر حاضر و تکنولوژی خودش را وفق داده است که از این جهت باید گفت نقاشی نسبت به سینما، منزوی شده است. هرچند هنری ارزشمند و کهنسال است و به راحتی نمی‌توان از کنارش گذشت و موسیقی، سینما و عکاسی، بارها به نقاشی رجوع می‌شود.

در کل باید بگویم که سینما، هنری عمومی‌تر و جذاب‌تری نسبت به نقاشی است و

مخاطب بیشتری دارد اما نقاشی مقداری از آن چیزی که باید به مخاطبش بدهد، فاصله گرفته است. نقاشی یکسری نقاط قوت و ارزشمندی دارد که باعث می‌شود بسیاری از فیلم‌سازها در تاریخ سینما به آن رجوع می‌کنند مثل یک پدر و مرجع، ولی اینکه کدام یکی از نظر بصری قوی‌تر و تأثیرگذار هست، نمی‌توان توضیح دقیقی ارائه کرد اما تأثیرگذاری سینما در حال حاضر بسیار بیشتر از نقاشی است.

من فکر می‌کنم فیلم‌سازهایی که عقبه هنرهای تجسمی دارند یا با پشتوانه نقاشی وارد سینما می‌شوند، نقطه قوت‌شان نسبت به بقیه فیلم‌سازها، در روایت بصری و توصیف تصویری فیلم است که می‌تواند چشمگیرتر باشد. این فیلم‌سازها می‌توانند چیدمان تصویری، عناصر بصری و ارتباط تصویری بهتری به مخاطب بدهند و مخاطب وقتی در سالن سینما می‌نشیند و به پرده عریض نگاه می‌کند اول تصویر بر او تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین فیلمسازی که از هنرهای تجسمی می‌آید بسیار می‌تواند موفق عمل کند اگر درست کار کرده باشد. چون هنرمند تجسمی سال‌های سال مشق بصری و تصویری داشته است و حالا آن را به فیلم‌هایش وارد می‌کند؛ این مشق و کشف و شهود در نقاشی، هم در شکل روایت تصویری و هم در شکل فیلمسازی کاربرد دارد، به ویژه آنجایی که از عنصر اتفاق و بداهه‌گرایی استفاده می‌شود.

### یک فنبان جای داغ

**زوال آرامش جناب سرهنگ در حضور دیگران**
«آرامش در حضور دیگران» نخستین فیلم بلند ناصر تقوایی، بر اساس قصه ای به همین نام از کتاب «واهمه های بی نام و نشان» غلامحسین ساعدی یکی از بهترین فیلم های سینمای روشنفکری و موج نوی سینمای ایران است.

فیلم «آرامش در حضور دیگران» در عین وابستگی به متن، دارای ویژگی‌های بسیاری است؛ به‌ویژه نوشته‌های ساعدی که اساس روایت تنهایی آدم‌هاست، در این فیلم به زیبایی تصویر شده است. او گفته است: فضای سرد و دلمرده داستان و شخصیت‌های به بن بست رسیده آن را به خوبی به سینما برگردانده است. قطعاً همکاری ساعدی به عنوان مشاور فیلمنامه با تقوایی، در برگردان موفق سینمایی این داستان مؤثر بوده است. فیلم داستان یک سرهنگ بازنشسته و روابط او با دخترانش را روایت می‌کند. در این فیلم اکبر مشکینی، ثریا قاسمی، لیلا بهاران، علی نراقی، منوچهر آتش‌ی، پرتو نوری علا، محمدعلی سپانلو، مسعود اسدالاهی بازی کردند.

تقوایی در سال ۱۳۴۸ با کمک گروهی از دوستانش (عباس گنجوی، خسرو سهامی، گلی افضل، منوچهر صالحی، زکریا قاسمی) و برادرش محسن یک «صندوق تعاونی» تشکیل داد تا دست یاری به سوی تهیه‌کنندگانی که بر حیات سینمای ایران سلطه داشتند دراز نکند.خود او گفته است: «اگر این بهترین راه نبود، به هر حال تنها راه مقاومت در برابر بازاری شدن بود. در آن زمان کار ما از اولین کوشش‌هایی بود که در راه یک سینمای متفاوت انجام می‌گرفت.» تقوایی «آرامش در حضور دیگران» را با سرمایه «صندوق تعاونی» و حمایت تلویزیون ملی ایران ساخت.

اما فیلم به خاطر نمایش تصویری از جامعه‌ای در حال سقوط و نمایش پوچی زندگی یک افسر ارتش شاه، از طرف ادارهٔ سانسور توقیف شد. فرخ غفاری که مدیریت هنری جشن هنر شیراز را به عهده داشت، بعد از دیدن فیلم، به دفاع از آن برخاست و به رغم مخالفت های وزارت فرهنگ و هنر، آن را در سال ۱۳۴۹ در جشن هنر شیراز به نمایش درآمد.

عباس بهارلو در مجله فیلم و سینما نوشت: «آرامش در حضور دیگران»، پس از نمایش در جشن هنر شیراز توقیف شد و سرانجام پس از چهار سال در فروردین ۱۳۵۲ برای چند شب در سینما کابری تهران به نمایش درآمد اما به خاطر اعتراض جامعهٔ پرستاران دوباره از اکران آن جلوگیری شد و پس از آن چه در قبل و چه بعد از انقلاب، هرگز اجازهٔ نمایش عمومی نگرفت.

آرامش در حضور دیگران» فیلمی با مایه های اگزیستانسیالیستی و نقد اجتماعی بر جامعه ایران در دهه چهل و زندگی اقبال متوسط و روشنفکر ایرانی در آن دوره است؛ روایتی از فروپاشی زندگی یک سرهنگ بازنشسته ارتش که از نظر روحی و جسمی فرورفته و نمی تواند شاهد سقوط اخلاقی آدم های پیرامونش باشد و سرانجام کارش به جنون می کشد.

پرویز جاهد نوشت: تأثیر پذیری تقوایی از سینمای روشنفکرانه دهه شصت اروپا به ویژه آثار آنتونیونی در این فیلم، انکارناپذیر است. آدم های تنها و به پوچی رسیده و روشنفکران وارده و سرخورده «آرامش در حضور دیگران» شباهت های زیادی به شخصیت های فیلم های «شب» و «کسوف» آنتونیونی و «زندگی شیرین» فلینی دارند. پریشانی و سرگشتگی شخصیت های آنتونیونی و فلینی را در شخصیت های «آرامش در حضور دیگران نیز می توان دید.

احمد طالبی نژاد در مصاحبه ای با روزنامه شرق گفت: به نظرم «آرامش در حضور دیگران» فیلم کمال‌یافته‌ای از نظر ساخت و پرداخت نیست و این کاملاً طبیعی است. در اولین فیلم بلند داستانی تقوایی خام‌دستی‌های کار اول را می‌توان دید. با وجود اینکه بازی‌های خوبی می‌بینیم اما گاهی بازی‌های بد هم به چشم می‌خورد. مثلاً بازی زنده‌ای منوچهر آتش‌ی که شاعر اجتماعی آن دوران بود و یکی از نقش‌های مهم فیلم را با نام خودش ایفا کرد. در این فیلم چهار شاعر به‌عنوان بازیگر نقش آفرینی کردند. محمدعلی سپانلو که نقش جوان خوش‌گذرانی را ایفا کرد. پرتو نوری‌علا که زن آن زمان همسر سپانلو بود و علی نراقی که در فیلم نقش محور دارد که حضور آنها به فیلم وجه فرهنگی دیگری بخشیده و آن را از فیلم‌های عامه‌پسند متمایز می‌کند. جالب است در گفت‌وگویی که با تقوایی داشتم وقتی دلیل بد بازی‌کردن آتش‌ی را پرسیدم، گفت: «به این دلیل که آتش‌ی آدم کهریزی بود و خجالت می‌کشید بازی کند. اول قرار بوده محمود مشرف‌زاده‌تهرانی ملقب به م-آزاد، شاعر معروف این نقش را بازی کند که او هم خجالتی بود و بازی در این فیلم امتناع کرد.در نتیجه آتش‌ی انتخاب شد». در عوض بازی خوب اکبر مشکین و ثریا قاسمی و مسعود اسدالهی را می‌بینیم که بازیگران حرفه‌ای این فیلم بودند. با همه اینها «آرامش در حضور دیگران» در قیاس با فیلم‌های بعدی تقوایی فیلم درجه یکی محسوب نمی‌شود، با اینکه ارزش تاریخی بسیار بالایی دارد و قابل توجه است.

تقوایی در مورد بازی آتش‌ی، سپانلو و پرتو نوری اعلاء گفته است: «وقتی احتیاج به نقش خاصی داری، چه بهتر که بگردد و همان آدم‌ها را به جمعیت پیدا کنی و از او فیلم بگیر. این خیلی طبیعی‌تر است. دروغی هم نیست. بازی کردن آتش‌ی، سپانلو و نوری علاوه و «آرامش در حضور دیگران»، درست به همین دلیل است. آن‌ها بخصوص در آن فصل مربوط به کافه، نقش خودشان را بازی می‌کنند.»

#### لطفی که کرونا به برخی فیلم‌ها کرد

کریم لک زاده کارگردان «شیرجه بزرگ» که از فیلم‌های واجد شرایط سی و نهمین جشنواره فیلم فجر است، در گفتگو با خبرنگار مهر درباره این دوره از جشنواره گفت: شرایط کرونا همه چیز از جمله جشنواره فیلم فجر را تحت تأثیر قرار داده و ما کار دیگری نمی‌توانیم انجام بدهیم به جز اینکه با این شرایط سازش کنیم حداقل توقعی که یک فیلمساز دارد این است که دست کم اثرش برای اصحاب رسانه به نمایش گذاشته شود این طبیعی است که مخاطبان مانند سال‌های پیش نتوانند آثار را ببینند اما بهتر این است که شرایطی فراهم شود که منتقدان و اصحاب رسانه بتوانند فیلم‌ها را ببینند.وی افزود: نمی‌دانم این نحوه حضور فیلم‌ها در جشنواره خوب است یا نه برای مثال هرچند فیلم من در فهرست فیلم‌های واجد شرایط قرار دارد ولی رسماً نمی‌توانیم درباره نمایش آن صحبت کنیم چون امسال هر فیلمی که تولید شد در این فهرست قرار گرفت. در دوره‌های گذشته حتی اگر فیلم‌ها در بخشی نامزد دریافت جایزه نمی‌شدند باز هم روی فیلم‌ها تمرکز و درباره آنها صحبت می‌شد ولی حالا این امکان از دست رفته است ولی از سوی دیگر فیلم‌سازانی مثل من که متعلق به جریان اصلی نیستیم به نوعی به شانس مواجه شدیم چون اگر کرونا نبود فیلم من حتی وارد جشنواره نمی‌شد اما حالا هیات داوران مستقیم می‌توانند فیلم امثال من را هم ببینند چون ممکن بود هرگز فرصتی پیش نیاید که داوران فیلم را ببینند. ممکن است حتی با نامزدی در یک بخش افراد بیشتری موفق به تماشای فیلم شوند ولی اگر فیلم ما در انبوه فیلم‌ها قرار می‌گرفت این شانس را پیدا نمی‌کرد که وارد جشنواره شود. لک زاده بیان کرد: یک سوم از فیلم‌های این فهرست ۶۲ تایی این شانس را پیدا می‌کنند که به نسبتی دیده شوند معمولاً هر سال چنین است که چهار، پنج فیلم در همه بخش‌ها نامزد می‌شوند اما حالا به خاطر شرایط موجود شاید هیات داوران سخاوتمندانه با فیلم‌ها برخورد و تعداد بیشتری را در بخش‌های مختلف نامزد کنند.

## آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۹۹/۵ (نوبت اول)

- نام دستگاه ( مناقصه گزار ) : صندوق بیمه کشاورزی**
- موضوع مناقصه : خرید ده میلیون قطعه پلاک گوش (ویژوال پلاستیکی) و ششصد دستگاه پنس مربوطه (پلاک کوب) به شرح مشخصات مندرج در اسناد مناقصه**
- پایان مهلت دریافت اسناد مناقصه : یک هفته پس از چاپ آگهی نوبت دوم**
- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند اراجاع کار : مبلغ ۷,۰۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (هفت میلیارد و پنجاه میلیون ریال) به صورت ضمانت نامه بانکی یا فیش واریز نقدی به حساب شماره ۱۱۴۰۰۸۲۱۸۰ نزد بانک کشاورزی شعبه صندوق بیمه کد(۴۸۴۷) به نام صندوق بیمه کشاورزی**
- آخرین مهلت ارائه پیشنهاد : ده روز پس از پایان مهلت دریافت اسناد مناقصه**
- مدارک لازم جهت دریافت اسناد مناقصه : حضور نماینده به همراه معرفی نامه کتبی**
- نشانی مناقصه گزار و محل دریافت اسناد مناقصه : تهران، خیابان ستارخان، خیابان شهید دکتربیاب اله،خیابان شهید مسعود سروش (یکم)، تقاطع زنجان شمالی، پلاک ۵۸،تلفن۶۴۰۰۹۰۰۰ (واحد حقوقی)**
- هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.**

شماره ۸۳۹۹